



## معنی ابیات ← بیت‌های در کوی عاشقان

◇ بیت ۱: بروید ای حریفان بکشید یار ما را به من آورید آخر، صنم گریزپا را

استعاره ← صنم گریزپا (استعاره از معشوق که همان شمس تبریزی است)

واج آرایی ← تکرار مصوت «را» و «ا»



جناس ← ما و را (این جناس ضعیف است چرا که یک طرف آن حرف «را» است) / ما و پا (این جناس ضعیف است چرا که «پا» قسمتی از واژه «گریزپا» است)

◇ بیت ۲: به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرّین بکشید سوی خانه، مه خوب خوشلقا را

حس آمیزی ← ترانه‌های شیرین (ترانه برای حس شنوایی است که با شیرینی که مخصوص حس چشایی است آمیخته شده) / بهانه‌های

زرّین (زرّین را اگر معنای رنگ بگیریم که برای حس بینایی است در مورد بهانه به کار رفته که ربطی به این حس ندارد)

استعاره ← مه خوب خوشلقا (استعاره از معشوق است که شمس تبریزی است)

واج آرایی ← تکرار واج «ا»، در مصراع دوم تکرار واج «خ»



◇ بیت ۳: اگر او به وعده گوید که دگر بیایم همه وعده مکر باشد، بفرید او شما را

مجاز ← دم (مجاز از زمان اندک و چند لحظه)

تکرار ← وعده / او



◇ بیت ۴: چند کنم تو را طلب، خانه به خانه، در به در؟ چند گریزی از برم، گوشه به گوشه، کو به کو؟

تکرار ← خانه / در / چند / گوشه / کو

مراعات نظیر (تناسب) ← خانه و در



◇ بیت ۵: باز، گرد شمس می‌گردم، عجب هم ز فرّ شمس باشد این سبب

تکرار ← شمس

کنایه ← گرد کسی گشتن کنایه از به دنبال کسی بودن



◇ بیت ۶: صد هزاران بار ببریدم امید از که؟ از شمس، این ز من باور کنید

اغراق ← صد هزاران بار امید ببریدم

واج آرایی ← تکرار واج «ب» در مصراع اوّل

کنایه ← امید ببریدم (کنایه از ناامید شدم)



◇ بیت ۷: بشنو این نی چون شکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند

استعاره ← نی (استعاره از مولوی یا انسان آگاه و عاشق)

جناس ناقص یا غیر همسان ← شکایت و حکایت

تشخیص ← شکایت و حکایت کردن نی



◇ بیت ۸: هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست؟

مجاز ← نفس (مجاز از لحظه) / چپ و راست (مجاز از همه جا)

جناس همسان یا تام ← راست (۱- سمت راست ۲- برای چه کسی وجود دارد؟)

تضاد ← چپ و راست

ایهام ← تماشا (۱- دیدن ۲- گردش کردن)

واج آرایی ← تکرار واج «س» در مصراع اوّل



♦ بیت ۹: ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست

تلمیح ← اشاره به آیه «اِنَّ اللّٰهَ وَاٰتٰىهٖ رٰجِعُوْنَ» و روایت کُلّ شئی یرجع الی اصله  
جناس غیر همسان ← فلک و ملک  
تکرار ← بوده‌ایم  
مجاز ← شهر (مجاز از وطن)  
واج آرایی ← تکرار مصوّت «ا»



♦ بیت ۱۰: خود ز فلک برتریم، وز ملک افزون‌تریم زین دو چرا نگذیریم؟ منزل ما کبریاست

جناس غیر همسان ← فلک و ملک  
مراعات نظیر (تناسب) ← فلک و ملک و کبریا  
تلمیح ← اشاره: به آیه «اِنَّ اللّٰهَ وَاٰتٰىهٖ رٰجِعُوْنَ» و روایت کُلّ شئی یرجع الی اصله



♦ بیت ۱۱: بخت جوان یار ما، دادن جان کار ما قافله‌سالار ما، فخر جهان مصفاست

جناس غیر همسان ← یار و کار / جوان و جان / جوان و جهان / جان و جهان  
کنایه ← بخت جوان یار ما (کنایه از خوش‌بختی و خوش‌اقبالی) / دادن جان کار ما (کنایه از آمادگی برای فداکردن جان و جانبازی)  
مجاز ← جهان (مجاز از مردم جهان)  
تکرار ← ما  
واج آرایی ← تکرار واج «ا»  
قافیه میانی ← یار و کار و قافله سالار (این مطلب برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)



♦ بیت ۱۲: رو، سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن ترک من خراب شبگرد مبتلا کن

کنایه ← سر بنه به بالین (کنایه از بخواب)  
واج آرایی ← تکرار مصوت «ی» در مصراع دوم



♦ بیت ۱۳: دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد پس من چگونه گویم، کاین درد را دوا کن

پارادوکس (تناقض) ← مردن دواى درد است  
مراعات نظیر (تناسب) ← درد و دوا  
تضاد ← درد و دوا  
واج آرایی ← تکرار واج «د»  
تکرار ← دوا



♦ بیت ۱۴: در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن

تشبیه ← کوی عشق (عشق به کویی تشبیه شده است و اضافه تشبیهی ایجاد کرده و می‌دانیم هر اضافه تشبیهی، آرایه تشبیه ایجاد می‌کند)  
واج آرایی ← تکرار واج «ک» در مصراع دوم  
اشتقاق ← کرد و کن (از یک مصدر هستند؛ این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)



♦ بیت ۱۵: به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد

کنایه ← تابوت من روان باشد (کنایه از تشییع جنازه)  
واج آرایی ← تکرار «ر» و «م»



♦ بیت ۱۶: برای من مگری و مگو دریغ! دریغ آن باشد به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد

استعاره ← دیو (استعاره از خوی بد و پلید و شیطانی و نفس بد)  
تکرار ← دریغ  
کنایه ← به دام دیو در افتادن (کنایه از خوی پلید و رفتار شیطانی داشتن)



◇ بیت ۱۷: کدام دانه فرورفت در زمین که نرسد چرا به دانه انسانیت این گمان باشد

تشبیه ← دانه انسان (انسان به دانه‌ای تشبیه شده است که پس از فرو رفتن در زمین (مرگ) دوباره می‌روید؛ دانه انسان اضافه تشبیهی است)



مراعات نظیر ← دانه و زمین و نرسد

تکرار ← دانه